مواجهه ملا صدرا با دیدگاه عرفا در مسئله علم تفصیلی قبل ایجاد و تاثیر پذیری از آن

غلامعلی مقدم، استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد. ایران، پست الکترونیکی: dr.moghadam@razavi.ac.ir(نویسنده اول و مسئول مقاله)

رسول پاداش پور، دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد ایران ، پست الکترونیک: rasol70.p@gmail.com

چکیده

علم تفصیلی قبل ایجاد از مسائل مهم و دشوار خداشناسی فلسفی و عرفانی است و منشاء ابراز دیدگاههای مختلف از سوی اندیشمندان مسلمان شده است. حکمای مشاء علم تفصیلی قبل ایجاد را بر اساس نظریه صور مرتسمه زائد بر ذات تبیین کرده اند، معتزله به ثابتات ازلیه به عنوان متعلق علم الهی قبل ایجاد تمسک نموده اند و عرفا در این زمینه از اعیان ثابته در مرتبه واحدیت عرفانی بهره برده اند، ملاصدرا با بهره گیری از دست آوردهای مشائی و عرفانی و تحت تاثیر دیدگاههای عرفا و با تکیه بر برخی مبانی حکمت متعالیه، نظریه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را سامان داده است، او در مسیر تحقیق و رسیدن به دیدگاه نهایی خود، با دیدگاه عرفا چند مواجهه مختلف داشته لکن سرانجام آن را تایید و در خاستگاه نظریه خود پذیرفته است. مسئله تحقیق تبیین مواجهه ملاصدرا با دیدگاه عرفا و نحوه تاثیر پذیری از عرفا بر اساس مبانی حکمت متعالیه است . در این تحقیق تلاش شده مواجهه ملاصدرا با دیدگاه عرفا تحلیل و نقش مبانی حکمت متعالیه در این زمینه تبیین گردد.

کلید واژه :حکمت متعالیه، علم الهی، علم قبل از ایجاد، تاثیر عرفا بر صدرا،

مقدمه

علم از جمله کمالات مهم ذات الهی است که در معارف دینی و مکاتب کلامی فلسفی و عرفانی مورد تبیین و تحقیق قرار گرفته است. یکی از ابعاد علم الهی، علم تفصیلی قبل از ایجاد است که از مسایل دشوار خداشناسی است، حفظ ذات الهی از تکثر و تغییر از یک سو و اثبات علم تفصیلی به امور کثیر از سوی دیگر، همواره دغدغه حکیمان و عارفان الهی بوده است. حکمای مشاء که علم به غیر را از طریق صور معقوله ممکن می دانستند، در دیدگاهی خلاقانه نظریه صور مرتسمه را برای تبیین علم تفصیلی قبل از ایجاد ابداع کردند، بر اساس این دیدگاه علم تفصیلی قبل از ایجاد به نحو کلی، فعلی و ثابت برای ذات حق تعالی اثبات می شود. از آنجا که صور مرتسمه زائد بر ذات و لازم ذات تلقی می شوند، موجب کثرت در ذات الهی نخواهند شد و از انجا که کلی و لایتغیرند به تغییر در ذات نخواهند انجامید(ابن سینا، بی‌تا، ص . ۱۳۰-۱۳۱)، متکلمین معتزلی برای حفظ متعلق علم، نظریه ثابتات ازلی را مطرح کردند، معتزله برای سامان دادن به این نظریه، معتقد به تحقق واسطه میان وجود و عدم شده اند، ثابتات ازلی یا ممکنات معدوم، اگر چه هنوز وجود پیدا نکرده اند، اما از نحوه ای ثبوت برخوردار بوده و به واسطه همین ثبوت متعلق علم الهی قبل ایجاد قرار می گیرد(شهرستانی، ۱۴۲۵، ص. ۱۵۱ـ۱۵۶).

در عرفان نظری علم تفصیلی قبل از ایجاد به کمک تعینات حقی و در مرتبه واحدیت تبیین می شود. اسماء الهی در مرتبه واحدیت که مقام شهود تفصیلی ذات است، در قالب اعیان علمی ظهور نموده و ذات حق تعالی همه کمالات و اسماء و صفات خویش و همه جزئیات عالم را ازلاً و ابداً در این نقشه علمی قبل از ایجاد و در خود ذات به نحو تفصیلی مشاهده می

نماید(قیصری، ۱۳۷۵، ص. ۳۴)، واحدیت محذور دیدگاه مشائی و معتزلی را ندارد، زیرا ظهور برای ذات، تعین حقی است و خارج از ذات محسوب نمی گردد. بلکه توفیق یافته است که علم تفصیلی قبل ایجاد را در درون ذات تبیین نماید.

ملاصدرا با استفاده از دیدگاههای گذشته به‌ویژه مواجهه و تاثیر پذیری از دیدگاه عرفانی و صور علمی واقع در حضرت الهی، نظریه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را مطرح کرد. بررسی دیدگاه صدرا در علم الهی نشان می‌دهد که نگرش عرفانی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نظریه او در علم الهی داشته است.

در این مقاله ضمن تبیین مواجهه ملاصدرا با دیدگاه عرفا که در سه مرحله انجام شده است، تاثیر پذیری ملا صدرا از دیدگاه عرفا و انطباق آن با مبانی حکمت متعالیه مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

برای این منظور پس از بیان تاریخچه مساله و روشن شدن زمینه بحث، مروری اجمالی بر سه دیدگاه عمده و مرتبط یعنی صور مرتسمه مشائی، ثابتات ازلی معتزلی و اعیان ثابته عرفانی انجام شده است. آنگاه مواجهه ملاصدرا با اعیان ثابته عرفا را که در سه مرحله واقع شده، تبیین و توجیه می شود، و در نهایت تاثیر پذیری ملاصدرا از دیدگاه عرفا و ابتنای نظریه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی بر آن دیدگاه بر اساس برخی از مهمترین مبانی حکمت متعالیه توضیح داده می شود.

۱-پیشینه بحث

مسئله علم خداوند به مخلوقات پیش از ایجاد سابقه‌ای طولانی در میان اندیشمندان اسلامی داشته و مهم‌ترین نحله های فکری مانند متکلمین، محدثین، مفسرین، حکما و عرفا از آن بحث نموده اند. آنها برای تبیین و توضیح نحوه‌ی وجود اشیاء قبل از ایجاد و چگونگی تعلق علم الهی به آنها تلاش های درخوری انجام داده اند . این تلاش‌ها را می توان پیشینه عام مواجهه حکمای مشاء و عرفا با این مسأله تلقی نمود که در برخی کتب فلسفی و عرفانی از جمله «الهیات شفا» ابن سینا (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص. ۳۸۴)، «التعلیقات» ابن سینا (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص. ۹۷، ۱۱۶، ۱۵۵)، «الفتوحات المکیة» ابن عربی (ابن عربی، بی تا، ج. ۲، ص . ۲۳۲)، «مفتاح الغیب» قونوی (قونوی، ۱۳۷۴، ص. ۵۱)، «الحکمة المتعالیة في الأسفار العقلیة الأربعة» ملاصدرا (شیرازی، ۱۹۸۱، ج. ۶، ص. ۱۸۳) و «مصباح الانس» فناری (فناری، ۱۳۸۴، ص. ۲۱۸ و ۱۳۷) بدان پرداخته شده است.

درخصوص مساله محل بحث یعنی تأثیر دیدگاه عرفا بر نظریه ملاصدرا در مورد علم پیشین نیز کتب و مقالاتی نوشته شده و در آن‌ها به جنبه هایی از این نظریه پرداخته شده است. از جمله موارد زیر در این باره قابل توجه است:

۱- کتاب «علم الهی در سنت عرفانی و صدرایی» (غفاری قره باغ، ۱۴۰۳) که در فصول مختلف خود به تبیین مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی علم الهی در عرفان و حکمت متعالیه و مطالعه تطبیقی آنها پرداخته است، همچنین در این کتاب مراتب مختلف علم الهی در دو نظام فکری مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته و نیز در ضمن مباحث کتاب برخی از لوازم فلسفی و کلامی مانند علم الهی و اختیار انسان و مواجهه عرفان و حکمت متعالیه با آنها مطرح و بررسی شده است، در نوشته پیش رو نگارندگان به نحو خاص به وجه تاثیرپذیری ملاصدرا از عرفا در مسئله علم الهی پرداخته و تلاش کرده اند این مساله را به صورت مصداقی و با ارائه شواهدی از آثار ملاصدرا نشان دهند که می توان آن را وجه تمایز نوشته کنونی با مباحث مطرح شده در این کتاب محسوب نمود.

۲- مقاله «ارزیابي انتقادي ملاصدرا از نظرية صور مرتسمة ابن سينا»(اخلاقی، ۱۳۹۲) که در آن نویسنده مواضع انتقادی ملاصدرا از دعاوی ابن سینا در مورد علم تفصیلی خداوند به موجودات قبل از ایجاد را مورد تبیین و ارزیابی قرار داده و عرض بودن صور علمیه از دیدگاه ملاصدرا را نفی کرده است.

۳- مقاله «تحلیل جایگاه و کارکرد صور مرتسمه در تفکر سینوی» (مومنی، ۱۳۹۵) که به تبیین نظریه حکماء مشاء یعنی صور مرتسمه و کارکردهای آن پرداخته است، حسب تحلیل نویسنده مشاء علم پیشین الهی به اشیاء را علمی حصولی و فعلی و لازمه ذات واجب تعالی می دانند و وجود این صور عین معقولیت آنها برای حق تعالی است.

۴- مقاله «علم پیشین الهی در عرفان اسلامی از منظر صدر المتألهین»(عبودیت،۱۳۹۳) به بررسی دو تفسیر متفاوت ملاصدرا از دیدگاه عرفا درباره علم پیشین الهی پرداخته که بر اساس ان ابتدا صدرا نظر عرفا را مانند ثابتات ازلیه معتزله نفی کرده، لکن در ادامه تفسیر عرفا را پذیرفته و با استمداد از قاعده بسیط الحقیقه دیدگاه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را سامان داده است.

۵- مقاله «مقایسه علم پیشین الهی از دیدگاه ابن سینا و محقق قونوی»(جعفریان، ۱۳۹۳) در این مقاله ابتدا کیفیت علم پیشین از نگاه ابن سینا تبیین و بررسی شده است و سپس مقایسه ای با دیدگاه قونوی و تابعان او در این زمینه صورت گرفته است.

۶- مقاله «علم پیشین مغایرِ متصل با ذات از دیدگاه صدرالمتالهین شیرازی» (رستمی، ۱۳۹۸) این مقاله با بررسی مستنداتی از عبارات ملاصدرا به اثبات این امر پرداخته است که صدر المتألهین منکر علم پیشین مغایر متصل با ذات خداوند نیست، اما مقصود وی از صور علمیه، صور مرتسمه مشاء نبوده، بلکه همان اعیان ثابته عرفا می باشد.

حسب تتبع نگارندگان، در پژوهش های انجام شده به مساله مورد تحقیق مقاله پیش رو، یعنی تبیین تأثیرپذیری ملاصدرا از دیدگاه عرفا در مسأله علم تفصیلی و نقش مبانی حکمت متعالیه در تحقق دیدگاه نهایی ملاصدرا و همراهی با دیدگاه عرفا پرداخته نشده است، که می توان آن را وجه نوآوری مقاله پیش رو محسوب نمود.

۲-مروری اجمالی بر دیدگاهها

در تبیین علم تفصیلی قبل ایجاد و اعتقاد به امو رثابت به عنوان متعلق علم الهی ، چند دیدگاه با هم قرابت دارند که در ادامه به تبیین اجمالی آنها پرداخته خواهد شد.

۲-۱- صور مرتسمه مشایی

در معارف الهی، ذات حق بسیط، واحد و درعین حال عالم به جمیع جزئیات است. علم تفصیلی قبل ایجاد نیازمند متعلق تفصیلی است و لذا تصویر علم تفصیلی قبل ایجاد همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. حکمای مشاء علم به غیر را حصولی و از طریق صورت معقوله ممکن می دانستند، آنها برای حفظ وحدت و بساطت ذات، علم الهی را با صور علمی لازم ذات که به صورت مرتسمه مشهور است، تبیین و از این رهگذر علم تفصیلی قبل ایجاد را تصحیح نمودند. صور مرتسمه همراه با ذات، ثابت و قدیم و مقدم بر موجودات است. لذا موجب تغییر و کثرت ذات نمی شود، مانند صورت علمی که منجم قبل از کسوف یا مهندس قبل از ساخت بنای خارجی دارد. این صورت علمی مبتنی بر علم بی نهایت الهی به اسباب و بی نیاز از هر گونه اصلاح و تجدید نظر است و لذا قبل و بعد از ایجاد هیچ تغییری نمی کند: « فالاول یعلم الاسباب و مطابقاتها، فیعلم ضرورة ما تتأدی الیه»(ابن سینا، ۱۳۷۹، ص. ۵۹۵). علم تفصیلی قبل از ایجاد، منشاء عنایت الهی و در نتیجه

سـبب تحقق موجودات و مخلوقات اسـت : « فهو یعقل الأشـیاء علی وجه الحکمة و علی النظام الواجب لا کما یتفق، أی لا یتمثل الأشیاء و یتصور کما تتفق، بل علی الوجه الحکمی الواجب فی النظام»(ابن سینا، ١٤٠٤، ص. ١٤٩، ابن سینا، ١٣٧٩، ص. ٥٩٣؛ ابن سـینا ، ١٣٧٥، ص.٣٩٣؛ ابن سـینا ، بی‌تا، ص . ١٣٣؛ ملاصـدرا، ١٩٨١، ج. ۶، ص.١٨٩). لذا علم الهی به نظام احسـن، بدون نیاز به هیچ عامل دیگری، منشـاء صـدور عالم می شـود که در اصـطلاح مشـاء به آن «عنایت» گفته می شـود (ابن‌سینا، ١٣٧٩، ص. ٥٩۴).

حکمای مشاء با ملاحظه جهات عقلی و فلسفی، پرهیز از محذورات و ضمن حفظ وحدت ذات، علم تفصیلی حق تعالی را از طریق صورت مرتسمه تصویر می کردند. اگر چه این نظریه از جهاتی با اشکال مواجه شده است، لکن در فضای بحث عقلی و علم حصولی یکی از تبیین های مهمی است که درباره علم قبل ایجاد ارائه شده است.

٢-٢-ثابته ازلیات معتزلی

علم حقیقتی ذات اضافه و از این رو نیازمند متعلق است، یعنی باید چیزی باشد تا علم بدان تعلق گیرد، از طرفی موجودات حادث قبلا تحقق نداشته و معدوم بوده اند، لذا از قدیم این سئوال مطرح شده که قبل از تحقق موجودات خداوند چگونه به آنها علم داشته است؟ معتزله برای رعایت این قاعده و اثبات علم الهی، برای علم قبل از ایجاد متعلقی تصویر کردند که اگر چه هنوز حادث نشده و وجود پیدا نکرده، اما از نوعی ثبوت برخوردار است و علم خداوند به این امور ثابت قبل از وجود تعلق می گیرد، این امور ثابت و ازلی بوده و با ایجاد و حدوث عالم تغییری نمی کنند. (سبزواری، ١۴٢٢، ج. ٢، ص. ١٨٣).

این دیدگاه به نظریه ثابتات ازلی معروف اسـت که گروهی از معتزله به آن قائل بوده اند. نظریه ثابتات معتزلی از بدو پیدایش مورد مناقشـه و به تبع بازبینی و اصـلاح قرار گرفته اسـت (تفتازانی، ١۴١٩، ج. ١، ص. ٣۵۶). لذا گزارش دقیقی نیز از آن به ما نرسـیده، اما حسـب نقل، گروهی از معتزله بر این باور بودند که معدومات ممکن، پیش از وجود یافتن، دارای ذوات و اعیان ثابتی هستند که ازلی و ابدی و غیر متناهی بوده و معیار علم خداوند به موجودات قبل از ایجاد هستند (شهرستانی، ١۴٢۵، ص. ١۵١).

معتزله برای توجیه ثابتات، به حالتی واسطه میان وجود و عدم تحت عنوان ثبوت معتقد شدند، به نظر آنها ثبوت اعم از وجود اسـت و معدوماتی داریم که ممکن‌الوجود و ثابت اند و متعلق علم حق تعالی قرار می گیرند. معتزله برای دفاع از این نظریه به برخی ادله عقلی و نقلی تمسـک کردند مثل اینکه معلومات الهی تمیز دارند و لازمهٔ هر تمیّزی شـیئیت و ثبوت اسـت، بنابر این معدوم ممکن، در عدمْ ثابت اسـت (جهانگیری،١٣۶١،ص. ٣٧٨). همچنین مطابق آیات: (اِنَّما قَوْلُنا لِشَـیءٍ اِذا اَرَدْناهُ اَنْ نَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ)(نحل : ۴٠) و (اِنَّما اَمْرُهُ اِذا اَرادَ شَـیئاً اَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ)(یس: ٨٢) اگر اشـیا پیش از وجود، معدوم محض بودند، خداوند به چه چیز امر کرده است؟

بنابر این در دیدگاه معتزله علم تفصیلی قبل ایجاد با پذیرش ثابتات ازلی تبیین و توجیه می شـود. علی رغم شـباهتها و احتمال تاثیر پذیری عرفا از ثابتات معتزله که بررسـی آن از محل بحث فعلی خارج اسـت، در نظر دقیق ثابتات ازلی با اعیان ثابته عرفانی تفاوت دارند.

۲-۳-صور علمیه عرفانی

عرفا علم تفصیلی قبل ایجاد را با استفاده از مرتبه واحدیت و از طریق اعیان ثابته تبیین کرده اند، در هستی شناسی عرفانی، صدور از علم به عین صورت می گیرد؛ حق تعالی به ذات و کمالات خویش اجمالا و تفصیلا علم دارد و این علم منشاء نوعی کثرت علمی و پیدایش تعین احدیت و واحدیت می شود. احدیت، مرتبه تجلی ذات برای ذات به نحو اجمالی است که در آن ذات حق تعالی و کمالات او به نحو اجمال و اندماج مشهود ذات واقع می شود (قیصری، ۱۳۷۵،ص. ۳۴). واحدیت، علم تفصیلی ذات به شئون و کمالات است که در آن اسماء الهی به نحو تفصیلی ظهور می کنند و اعیان و صور علمی بصورت متمایز آشکار می‌شوند: « اگر بشرط جمیع اسماء کلی و جزیی لازم ذات اخذ شود، همان مرتبه الاهیت است که در نزد عرفا واحدیت نامگذاری می‌شود» (جندی، ۱۴۲۳،ص. ۲۱).

این علم تفصیلی به اسماء، منشأ ظهور اعیان ثابته و ظهور تمایز علمی است که نقشه علمی ایجاد و معیار علم تفصیلی به موجودات و مظاهر بعدی است: «حق‌تعالی ... جمیع اشیاء را که در ذات به بساطت ذات موجود بودند، به‌نحو تفصیلی در مقام واحدیت و مقام علمی مشاهده می کند، بنابر این علم تفصیلی به اعیان ثابته کلی و جزئی از ازل تا ابد، معیار علم پیشین حق‌تعالی به همه عوالم وجود است که بعد از ظهور علمی تفصیلی، اقتضای وجود عینی و طلب تحقق خارجی دارند و حق‌تعالی این اعیان علمی را به فیض مقدس در عالم خارج اظهار و ایجاد می کند» (ابن عربی، ۱۳۷۰،ص. ۱۹۷).

بنابر این اعیان ثابته قبل از اعیان کونیه، نحوه‌ای تقرر و ثبوت علمی در واحدیت دارند، و معیار علم تفصیلی خداوند به موجودات به‌شمار می‌آیند: «این مقام است که تعبیر از او به عالم أعیان ثابته می‌شود که أعیان أشیاء در این مقام متمیّز است، بعضها کلًا عن بعض» (کربلایی، ۱۴۱۰،ص. ۵۹). « أعیان ثابته ... علی أیُّ حال موجود هستند در این مرتبه؛ نه بالوجود الاستقلالی، بل تبعاً لوجود حقایقها المندکّة فی حقیقة الذات الواجبی» (همان: ۶۶). « ظهور آنها به فیض اقدس، عین علم خداوند سبحان به نظام شایسته‌تر و افضل است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج.۵ ،ص. ۲۳۰).

در این مرتبه اعیان به تبع اسماء و کمالات الهی ظهور کرده و در محضر و مشهد حق قرار دارند، آنها آینه تمام نمای تعینات بعدی در عالم هستند. چنانکه اشاره شده اعیان ثابته از جهاتی با ثابتات ازلی متفاوتند؛ اعیان نحوه ای ظهور و نمود علمی اند که فقط از حیث انتساب و اضافه به خداوند شیئیت داشته و از وجود عینی و ظهور در خارج برخوردار نیستند. به تعبیر عرفا «الاعیان ماشمت رائحه الوجود» لکن آثار اعیان در مراتب بعدی ظهور، آشکار و موجب تکثر ظهور می شود (قیصری، ۱۳۷۵،ص. ۶۲). بنابراین، اعیان ثابته تحققی متناسب با مرتبه خود داشته که همان ثبوت علمی و همراه با تجلی ذاتی حق است. اما در خارج، متعلق جعل نبوده و مستقل از ذات حق وجودی ندارند. (فناری، ۱۳۸۴ ، ص. ۳۱۲).

۳- مواجهه ملاصدرا با نگرش عرفانی و تاثیر پذیری از آن

ملاصدرا علم تفصیلی قبل ایجاد را در پرتو دیدگاه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی تبیین کرده است، بر این اساس، علم الهی در مرتبه ذات، بسیط و اجمالی است، اما همین علم در عین اجمال، کاشف تفصیلی از جمیع موجودات است. در ادامه برای تعین نسبت دیدگاه حکمت متعالیه با اعیان ثابته، مواجهه ملا صدرا با این نگرش مورد تبیین قرار می گیرد.

این مواجهه را می توان در سه مرحله پیگیری کرد. در مواجهه نخست او نگاهی سلبی به اعیان ثابته داشته و به یکسانی اعیان ثابته عرفا در یک معنا، با ثابتات ازلیه معتزله رای داده است، در ایستار دوم به تفاوتهای آنها تذکر داده و غیریت این دو را تایید

نموده و در دیدگاه نهایی با بهره گیری از نگرش عرفانی و مبانی حکمت متعالیه، علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را تبیین کرده است.

۳-۱- مواجهه نخست : نقد اعیان ثابته همسان با ثابتات ازلی

در این مرحله، ملاصدرا ضمن نقد و عدم پذیرش نظریه ثابتات ازلیه، تفسیر استقلالی از اعیان ثابته را هم ردیف دیدگاه ثابتات ازلیه معتزله قرار داده و و هر دو را از این جهت که مستلزم تحقق استقلالی ماهیت بدون وجود است، در معرض نقد قرار داده است. بر این اساس هر گونه تفسیر استقلالی از اعیان عرفانی ، مانند دیدگاه ثابتات معتزلی غیر قابل قبول خواهد بود، لذا ملا صدرا در برخی تعابیر نظریه ثبوت معدومات معتزله و اعیان ثابته را نفی کرده است (شیرازی، ۱۳۶۰ ، ص. ۳۹، شیرازی، ۱۳۷۵ ، ص.۲۸۷، شیرازی، ۱۹۸۱ ، ج.۲، ص. ۲۸۸). در این مواجهه که مبتنی بر نفی ماهیت بدون وجود است، اعتقاد به ثابتات ازلی و اعیان ثابته اگر به نحو استقلالی تصویر شود، با هم مشابه و غیر قابل قبول است ، لذا تحقق اعیان قبل از وجود و بدون وجود ملحق به نگاه متکلمین معتزلی بوده وقابل پذیرش نیست: «حکم اعیان ثابته و سایر معقولات و اعیان معلومه نیز همین است ، آنها جز نقش و علامت وجودات امکانی نیستند و ... واما قطع نظر از وجود، نه در عین و نه در عقل: تحقق بالذات ندارند» . «و كذا الحكم في الأعيان الثابتة و سائر المعقولات و الأعيان المعلومة، و ما هي إلا نقوش و علامات دالّة على أنحاء الوجودات الإمكانية التي هي رشحات جود الحق،.. و أما نفس تلك الأعيان و المهيّات مع قطع النظر عن الوجودات: فلا وجود لها بالذات لا عينا و لا عقلا»(شیرازی، ۱۳۶۶، ج.۴، ص. ۴۶) « بخلاف المهيات الكلية و الاعيان الثابتة العقلية فانها و ان لم يكن لها ثبوت قبل الوجود كما يراه قوم من المتكلمين»(شیرازی، بی تا، الرسائل، ص. ۱۸۸). چنانکه ملا صدرا دیدگاه معتزله را که برای توجیه علم پیشین خداوند برای ماهیت پیش از تحقق در خارج، ثبوت قائل شده بودند مورد نقد قرار داده است (ر، ک: شیرازی، ۱۹۸۱، ج. ۱، ص. ۷۵).

بر این اساس ثابتات ازلی و اعیان ثابته از نظر اعتقاد به ثبوت ماهیت قبل از وجود عینی یکسان اند و تنها در تبیین نحوه ثبوت تفاوت دارند، به این نحو که یکی ثبوت را خارجی و دیگری علمی می داند. در حالی که اولا ثبوت بدون وجود معنا ندارد و ثانیا بر فرض ثبوت علمی ماهیات، علم حق تعالی قبل ایجاد حصولی خواهد بود: «در این دو نگاه علم خداوند به موجودات با ذات حق مغایرت داشته و زائد و منفصل از ذات خواهد بود» (شیرازی، ۱۳۵۴،ص. ۹۱).

بنابر این در مواجهه اولیه صدرا، ادعای صوفیه و معتزله هر دو گرفتار محذور است، تذکر به این محذورات و یکسانی اعیان یا ثابتات در دیدگاه دیگر حکما نیز قابل مشاهده است، از همین رو علامه طباطبایی نیز دیدگاه عرفا در مساله علم الهی را به دیدگاه معتزله ملحق و هر دو را غیر قابل قبول دانسته اند.(طباطبایی، ۱۳۶۹،ص. ۲۹۲ ، مقدم، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۷)

۳-۲- مواجهه دوم؛ توجه به مغایرت دو دیدگاه

علی رغم مواجهه اولیه در یکسانی دیدگاه عرفا با معتزله، ملاصدرا در مواضعی از آثار خود ضمن نقل مشابهت این دو دیدگاه، به تفاوت میان آنها توجه داده است، بنابر این می توان گفت صدرا از نظر حقیقت میان دو نگرش، تفاوت قائل بوده و مرا او از مشابهت که در برخی تعابیر آمده است، مشابهت ظاهری دو دیدگاه بوده است.(شیرازی، ۱۹۸۱، ج.۶، ص. ۱۸۱).

در این ایستار ملاصدرا در صدد تبیین نظر عرفا برآمده و تلاش کرده است تا مغایرت میان دیدگاه عرفا با ثابتات ازلیه را تبیین نماید، لذا اگر چه قبلا نسبت به هر دو به جهت اعتقاد به ثبوت ماهیات قبل از وجود خدشه کرده بود، اما در این موضع به تفاوت

آنها اشاره نموده است. (عبودیت، ۱۳۹۳، ص. ۳). از جمله تفاوتهای مهم دیدگاه معتزله با عرفا این است که مکتب اعتزال، ثبوت را عینی و عرفا آن را علمی می دانند. همچنین اعیان ثابته عرفانی در متن وجود و تعینات هستی تعریف می شود در حالی که ثابتات ازلی در مقابل وجود و به عنوان واسطه میان وجود و عدم معرفی شده اند، بنابر این ثبوت اعیان ثابته عرفانی، بیش از آن که با دیدگاه ثابتات ازلی معتزله همراه باشد با دیدگاه صور مرتسمه مشائین مشابه و هم آهنگ است، زیرا هم مانند صور مرتسمه، علمی است، هم از لوازم ذات حق است و مستقل و منفصل از وجود، تحقق ندارد.

به هر حال ملاصدرا در این مواجهه ثانوی به تفاوت های بنیادین ثابتات ازلیه و اعیان ثابته توجه و تذکر داده و آنها را از ادعای ثابتات ازلیه جدا نموده است او از این رهگذر به تدریج تلاش می کند، دیدگاه عرفا و اعیان ثابته را بر اساس مبانی حکمت متعالیه و منطبق با دیدگاه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی تبیین نموده و علم پیشین خداوند به اشیاء را به نحو تفصیلی اثبات نماید (عبودیت، ۱۳۹۳: ۴). در بیان تفاوت دو دیدگاه، صدرا برخی مبانی خاص عرفانی را نیز گزارش می کند که نشان دهنده میل او به پذیرش و تنقیح مذهب عرفاست. .(ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج.۶، ص. ۱۸۶).

۳-۳-مواجهه سوم پذیرش، توجیه و تحکیم سخن عرفا

۳-۳-۱- علم اجمالی و تفصیلی و عینیت آنها در عرفان و حکمت متعالیه

ملاصدرا در رویکرد نهایی خود دیدگاه عرفا در اعیان ثابته را پذیرفته و تلاش می کند آن را بر اساس مبانی خاص حکمت متعالیه تنقیح و تبیین و با علم اجمالی در عین کشف تفصیلی همراه سازد، لذا در کنار تاکید بر مطلب قبلی و انکار تحقق ماهیت بدون وجود که در ثابتات ازلی معتزله مطرح بود، سخن عرفا را از این اتهام بری دانسته و از دیدگاه عرفا دفاع کرده است: «آنچه محال است، وجود ماهیت عاری از وجود است، ...لکن تحقق ماهیت قبل از وجود خاص عینی خود مانعی ندارد، اینکه عرفا می گویند «اعیان ثابته» در حالت عدم حکم خاصی دارند، منظورشان از «عدم»، اعیان بدون وجود خاص است»،إن الذي أقيم البرهان على استحالته هو ثبوت الماهية مجردة عن الوجود ...و أما ثبوتها قبل هذا الوجود الخاص ...فلا استحالة فيه ... فهؤلاء العرفاء إذا قالوا إن الأعيان الثابتة في حال عدميتها اقتضت كذا أو حكمها كذا فأرادوا بعدمها العدم المضاف إلى وجودها الخاص(شیرازی، ۱۹۸۱، ج. ۶، ص. ۱۸۷).

همچنین با تذکر به مساله عقل بسیط و دو نحوه تحقق کثرت اجمالی و تفصیلی ، به توجیه سخن عرفا در ظهور اجمالی و تفصیلی ذات برای ذات اقدام کرده است. «کثرات در وجود تفصیلی به نحو متمایز و هر کدام به وجود خاص موجودند، اما در وجود اجمالی، مانند وجود مسائل و موضوعات متعدد در ملکه اجتهاد، وجودهای کثیر در عین تغایر در مفهوم، همه به وجود واحد موجودند» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج. ۶، ص. ۱۸۶). او با بهره گیری از برخی مبانی حکمت متعالیه مانند اصالت وجود، وحدت وجود، تشکیک در وجود و مساوقت شیئیّت با وجود، به ثبوت اجمالی ماهیت رای داده است: «اگر ماهیت، وجود اجمالی داشته باشد، ثبوت قبل از وجود و در حال عدم، ممکن است؛ زیرا ثبوت آن مربوط به وجود اجمالی آن بوده و عدم آن مربوط به وجود خارجی و تفصیلی‌اش می باشد. در این صورت، موجود معدوم یا معدوم ثابت، به دو حیثیت جدا گانه برمی گردد و اشکالی پیش نمی آید. مثل مسائل متعدد به وجود بسیط و اجمالی در ملکه اجتهاد که از جهت تفصیل معدوم و از حیث اجمال، موجود می باشند (شیرازی، ج. ۶، ص. ۱۸۷). «علم او به ذات عین وجود است و اعیان به واسطه وجود ذات موجودند؛ بنابراین، آنها علی رغم کثرت به عقل واحد درک می شوند، چنانکه به واسطه وجود واحد موجدند، بنابراین، علم حق تعالی به همه چیز در مرتبه ذات ، قبل از وجود ثابت است».ما كان علمه بذاته هو نفس وجوده و كانت تلك الأعيان موجودة

بوجود ذاته فكانت هي أيضـــا معقولة بعقل واحد هو عقل الذات فهي مع كثرتها معقولة بعقل واحد كما أنها مع كثرتها موجودة بوجود واحد إذ العقل و الوجود هناك واحد فإذن قد ثبت علمه تعالى بالأشياء كلها في مرتبة ذاته قبل وجودها(شیرازی، ۱۹۸۱، ج. ٦، ص. ۲۸۳).

پذیرش ثبوت اجمالی و تفصیلی در مرتبه علم، راه را برای انطباق و هماهنگی نظریه کشف اجمالی در عین تفصیل، با کشف اجمالی و تفصیلی اسماء ذات در احدیت و واحدیت عرفانی همواره می کند. همچنین با اثبات وحدت حقیقی میان مرتبه احدیت و واحدیت، عینیت میان علم اجمالی با علم تفصیلی نیز تامین می گردد؛ بنابر این در نظریه حکمت متعالیه و دیدگاه عرفا، هم اجمال و تفصیل و هم عینیت آنها قابل تبیین است.

در عرفان تعینات علمی حاصل علم اجمالی و تفصیلی ذات به کمالات ذات است، احدیت علم اجمالی و واحدیت کشف تفصیلی کمالات مندمج در احدیت است، در عین حال احدیت و واحدیت صدر و ذیل یک حقیقت اند: «احدیت همان واحدیت اجمالی و واحدیت همان احدیت تفصیل یافته است. احدیت و واحدیت علم اجمالی و تفصیلی به اسماء و اعیان در صقع ربوبی حق‌اند» (قونوی، ۱۳۷۱، ص. ۵۰). از این جهت نوعی اتحاد میان اجمال و تفصیل برقرار است، «صور علمیه، تجلیات علمی حق تعالی در واحدیت اند و به لحاظ اتحاد علم با عالم و معلوم با حضرت حق متحدند» (فناری، ۱۳۸۴ ،ص. ۲۱۰؛ نائیجی، ۱۳۸۸،ج. ۳،ص. ۱۶۱۴). لذا علم اجمالی که در صدر تعین علمی یعنی احدیت، تحقق پیدا می کند، عین همان تفصیلی است که در ذیل تعین علمی در واحدیت مطرح است و اجمال و تفصیل عرفانی اگر چه در مقام تعبیر در دو تعین مطرح شده اند، اما در مقام تحقیق هر دو ظهور و بطون یک حقیقت واحدند که می توان از آن به اجمال در عین تفصیل و تفصیل در عین اجمال تعبیر کرد.

۳-۳-۲- تحقق علم اجمالی و تفصیلی در ذات در عرفان و حکمت متعالیه

در نظریه ثابتات ازلی معتزله و صور مرتسمه مشائی، صور عملی برای ذات حق تبیین نشده بود، در دیدگاه عرفا اعیان و واحدیت از تعینات حقی و درون صقعی هستند همچنین صدرا علم اجمالی و کشف تفصیلی را برای ذات اثبات می کند، برای ایجاد، هماهنگی صدرا با استمداد از برخی مبانی حکمی مانند علم بسیط، اشتمال ذات بر کمالات، بسیط الحقیقه، انطباق اعیان با ماهیات و استلزام میان اسماء و اعیان، تلاش کرده است تا نگاه عرفانی را مورد تایید و تاکید قرار داده و نظریه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را بر آن مبتنی سازد، او دیدگاه عرفا نسبت به ظهور اعیان ثابته در واحدیت را با دیدگاه علم بسیط ازلی تنظیر نموده و می گوید این اعتقاد نظیر اعتقاد آن دسته از اقدمین حکما است که قائل بودند علم حق تعالی پیش از ایجاد، علم بسیط ازلی است که در عین بساطت و ازلیت و وجوب ، کل الاشیاء را به‌نحو اتم و اشرف و اعلی دارا می باشد. هر کمالی که در معلول باشد، اصل و حقیقت آن به‌نحو اعلی و اشرف در علت آن وجود دارد؛ (شیرازی، ۱۹۸۱، ج.۶ ص. ۲۶۹).

ذات حق در عرفان و فلسفه مشتمل بر همه کمالات و صفات کمالی است و آنچه به امکان عام برای حق ممکن است دارا می باشد، «هر کمالی که در موجودات تحقق دارد و اثبات آن کمال در واجب سبب نقصان نمی‌شود، اثبات آن کمال به نحو اطلاقی برای واجب لازم و ضروری است؛ زیرا واجب تمام کمالات را داراست. بنابراین، کمال وجود به موجودیت کمال کل موجودات است و هر آنچه برای موجودات به‌واسطه وجود است، از جهت وجود برای او ثابت است (فناری، ۱۳۸۴، ص. ۲۱۰؛ نائیجی، ۱۳۸۸،ج. ۳، ص. ۱۶۱۶). به همین منوال اعیان ثابته عرفانی نیز که از لوازم اسماء الهی اند در مرتبه ذات بسیط حق تعالی و به نحو اجمال یا تفصیل تحقق دارند: « در این صورت لوازم اسماء که همان وجودهای علمی یا اعیان ثابته است به وجود

عقلی بسیط، همراه با اسماء و صفات وجود خواهند داشت. پس همان‌گونه که صفات و اسماء به وجود واحد بسیط، عین ذات حق‌اند، لوازم آن‌ها نیز که اعیان ثابته هستند، به وجود واحد بسیط، به تبع اسماء، عین ذات حق‌اند» (شیرازی،۱۹۸۱،ج. ۶، ص، ص. ۲۱۰)

او وجود بسیط ازلی را با مرتبه اعیان ثابته و اسماء ربوبی الهی تطبیق نموده است: «چرا که اشیاء دارای چهار نحوه وجوداند: چهارم: وجود اسمائی الهی در مرتبه ربوبی. این مرتبه همان مرتبه وجود بسیط عقلی است که کل الاشیاء است و همه وجودات به نحو کثرت در وحدت در آن جمع‌اند» (همان). بنابراین با بیان فلسفی واجب مبدأ همه موجودات و کمالات آن‌ها و بسیط حقیقی و کل الاشیاء است. پس عالِم به ذات خود و سایر موجودات بوده و عالم بودن در مرتبه ذات او و پیش از اشیاء است. پس علم او به ذات همان علم به اشیاء در مرتبه ذات و پیش از اشیاء است (شیرازی،۱۹۸۱،ج. ۶، ص. ۲۷۰). این علم همان علم اجمالی در عین کشف تفصیلی است، اجمالی و بسیط بودنش از آن رو است که ذات حق تعالی بسیط است ، در عین حال همین وجود بسیط و اجمالی، علم به همه موجودات کثیر و تفصیلی نیز هست. (شیرازی،۱۹۸۱،ج. ۶، ص. ۲۷۱).

ملا صدرا اشتمال فلسفی علم به ذات بر علم به موجودات را، با بیان عرفانی مظهر بودن علم به موجودات نسبت به موجودات تفسیر و علم اجمالی و تفصیلی را با ظهور اجمالی و تفصیلی اسماء و کمالات ذات برای ذات توضیح می دهد، بنابراین علم به اسماء و اعیان یا ظهور اعیان، همان علم اجمالی و تفصیلی ذات به کمالات است: «پس علم ذاتی واجب تعالی عبارت است از وجود علمی جمعی موجودات که در علم او به ذات خود منطوی است. این علم، مظهر اشیاء است نه خود اشیاء، مظهر بودن یعنی آن‌چه را وجود و ماهیت موجودات دارند، واجب تعالی به‌گونه اعلی و اتم دارد»(شیرازی،۱۹۸۱،ج. ۶، ص. ۲۷۲). «از آن جا که ذات واجب تعالی جامع تمامی کمالات نامتناهی بوده و هر کمالی مبدأ انتزاع صفت و اسمی است، ذات او مبدأ انتزاع همه صفات و اسماء و مفاهیم کمالی است، ... بنابراین، ذات واجب به ممکنات تقدم داشته و به تبع ذات، کمالات و اسماء و صفات ذاتی او نیز بر آن‌ها تقدم دارند، به تبع صفات ذاتی، صفات فعلی نیز بر آن‌ها تقدم دارند (شیرازی،۱۹۸۱،ج. ۶، ص. ۲۷۲).

بر اساس این نگاه عرفانی می توان گفت خداوند همه موجودات را در ذات خود مشاهده می کند و به تعبیر دیگر ذات در مرتبه علم اجمالی مراتی است که حق تعالی کمالات و اسماء و صفات خود را در آن مشاهده می کند، این حضور اسماء و صفات و به تبع اعیان در مرتبه ذات همان ثبوت ماهیات قبل از وجود و علم اجمالی در عین کشف تفصیلی است، حق تعالی در مقام علم فعلی نیز بار دیگر خود را در مرتبه فعل مشاهده می کند، البته در اینجا موجودات مراتی هستند که اسماء و صفات و کمالات او را نشان می دهند و حق خود را در این مرات مشاهده می کند.

این نحوه بیان بسیار نزدیک به بیان عرفانی در تبیین علم ذاتی و فعلی است و صدرا در به این دو نحوه مراتیت تصریح کرده است: «اساس علم کامل او به ممکنات، نه آنگونه است که مشائیان و ... معتقد بودند، بلکه چنانکه خداوند متعال به ما آموخته ... این است که ذات او، در مرتبه ذات خود، مظهر همه صفات و اسماء است، که در آن، صورت‌های همه ممکنات را بدون حلول و اتحاد مشاهده می کند ... ذات او مانند آینه‌ای است که در آن صورت همه موجودات مشاهده می‌شود(شیرازی، ۱۳۶۰، ص. ۴۰).

«آنکه خداوند به او شرح صدر داده ...خواهد دید که خداوند متعال علمی تابع معلوم یعنی صور حقایق اسمای الهی و علمی سابق بر معلوم یعنی صور موجودات عینی دارد. چنین شخصی هر دو چشمش باز است، با یک چشم، خدای متعال را

مرآت صور ممکنات می‌بیند و با چشم دیگر، ممکنات و حقایق وجودی آنها را مرآت وجه الهی می‌بیند، که در آن صور اسمای خود را مشاهده می‌کند. (شیرازی، ۱۳۶۰، ص . ۴۱)

۳-۳-۳- انطباق ماهیات بر اعیان

ملاصدرا با انطباق اعیان ثابته بر ماهیات، در مسائل گوناگونی از حکمت متعالیه، نتایجی اخذ کرده است، از جمله در تبیین علم پیشین الهی از این انطباق بهره جسته است، بر این اساس چنانکه در تشکیک، مراتب مختلف وجود در قالب ماهیت و مظاهر ماهوی ظهور می کند. در نظام اسماء و صفات عرفانی هم اعیان به عنوان تعینات اسماء و صفات الهی ظاهر می شوند.

ماهیات اگر در صقع ربوبی و در تعین علمی ثانی ظهور کنند، اعیان ثابته و هر گاه در خارج از صقع ربوبی به عنوان ظهور اسمای کونی خارجی تحقق یابند، اعیان خارجه نامیده می شوند.(امینی نژاد،۱۳۹۲ ، ص. ۲۶۴) بنابر این ماهیات و اعیان هر دو از امور انتزاعی و اعتباری اند که اگر چه نشان دهنده آثار مرتبه خاصی از وجود یا ظهور می‌باشند، لکن خود بهره‌ای از تاصل و تحقق نداشته و به تعبیر عرفانی، بوی وجود را استشمام نکرده‌اند. از این رو صور علمی و ماهیات و اعیان ثابته از تحقق عینی و ثبوت خارجی برخوردار نبوده و ظهور آنها مقدم بر وجود علمی برای ذات محذوری ندارد.

صدرا در اسفار ذیل عنوان «تنصیص بر عدمی‌بودن ممکنات به حسب اعیان ماهیات» به اعتباری و انتزاعی بودن تعینات تصریح و برای هماهنگی ماهیات فلسفی با اعیان عرفانی تلاش کرده است. (شیرازی، ۱۹۸۱، ج. ۲،ص. ۳۳۹): «تمام ممکنات که همان وجود های مقید و محدود به ماهیت می‌باشند، در این تفسیر ازلا و ابدا باطل الذوات و هالکه الماهیات‌اند».(شیرازی،۱۳۶۱،ص. ۱۵) هماهنگی اعیان و ماهیات در کلمات سایر حکما و عرفا نیز کم و بیش مورد اشاره قرار گرفته‌است: «وجود است که در مراتب مختلف ظهور می کند و به صورت حقایق اشیاء در علم و عین ظاهر می‌شود و به ماهیت و اعیان ثابته نامیده می‌شود». (ر.ک آملی، ۱۳۷۵، ج. ۱، ص. ۳۸۶، قیصری، ۱۳۷۵، ص ۲۰۲، سبزواری،بی تا، ص ۵۷، شیرازی، ۱۳۶۳، ص. ۶۱) ، «و صورة تلك الحقيقة في علم الحق تعالى هي المسماة بالماهية و العين الثابتة. و ان شئت قلت، تلك الحقيقة هي الماهية، فإنه ايضاً صحيح»، قیصری، ۱۳۷۵، ص. ۶۷).

بنابر این تعبیر اسماء، اعیان یا ماهیات اعم از اسماء علمیه و الهیه در مقام واحدیت و اسماء کونیه و خلقیه در عالم خلق است، چنان‌که اسماء الهی منشاء انتزاع و انبعاث اعیان علمیه الهیه است، اسماء کونیه منشاء اعتبار اعیان و ماهیات کونیه خارجیه می‌باشند: «ماهیات، صورت کمالات و مظاهر اسما و صفات اوست که ، اولا در علم و سپس در عین ظاهر شده‌اند». (فالماهيات صور كمالاته و مظاهر أسمائه و صفاته، ظهرت اوّلًا في العلم ثم في العين) (قیصری،۱۳۷۵،ص.۱۷).

مبتنی بر پذیرش این انطباق، ماهیات فلسفی یا اعیان عرفانی حقیقت و اصالت و عینیتی در عالم وجود ندارند، و تقدم علمی آنها بر هستی خارجی اشکالی نخواهد داشت. هستی منحصر در حقیقت وجود واجبی و تعینات و ظهورات اوست که به تعبیر حکمی همان اضافات اشراقی و وجودات رابط و تعلقی و حرفی نسبت به اویند و در مرتبه‌ای به صورت ماهیات و اعیان ظهور می نمایند. بنابر این بر خلاف دیدگاه معتزله، مرتبه واحدیت یا صور حقایق یا ماهیات قبل ایجاد، در مقابل وجود یا خارج از دایره وجود تلقی نمی شوند، بلکه چنانکه گفته شد در مرتبه ظهور وجود معنا پیدا می کنند، وجود فلسفی در قالب ماهیات و وجود شخصی عرفانی در تعینات ظهور می کند، صور همه موجودات مراتب مادون و نقشه علمی عالم هستی در تعین احدیت و واحدیت به اجمال و تفصیل برای حق آشکار می شود، این دو تعین اولا از تعینات حقی بوده و ثانیا همانگونه که پیشتر اشاره

شد هر دو امر واحدی هستند، بنابراین صحیح است که گفته شود حق تعالی در ذات خود علم اجمالی در عین کشف تفصیلی به همه جزئیات و صور و اعیان دارد و همین علم تامین کننده، علم قبل ایجاد می باشد.

نتیجه گیری

علم تفصیلی قبل از ایجاد از مسایل مهم خداشناسی است و دیدگاههای مختلف در باره آن اظهار شده است. ملاصدرا با تاثیر پذیری از دیدگاه عرفانی ، نظریه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را مطرح کرد. مواجهه او را می توان در سه مرحله پیگیری کرد. در مواجهه نخست به مشابهت اعیان ثابته با ثابتات ازلیه رای داده است، در مواجهه دوم به تفاوتهای آنها توجه و غیریت آن دو را تایید نموده و در دیدگاه نهایی با بهره گیری از نگرش عرفانی و مبانی حکمت متعالیه، نظریه علم اجمالی در عین کشف تفصیلی را تبیین کرده است.

در همین راستا صدرا با توجه به اندماج احدیت و تفصیل واحدیت تحقق اجمال و تفصیل و هم عینیت میان علم اجمالی با علم تفصیلی را تامین کرده است. چنانکه با استمداد از برخی مبانی مانند قاعده بسیط الحقیقه، انطباق اعیان با ماهیات و استلزام میان اسماء و اعیان، را اثبات کرده است ، ملا صدرا در تبیین علم پیشین الهی از انطباق اعیان ثابته بر ماهیات، بهره جسته است، همانگونه که در نظام فلسفی ماهیت ظهور وجود است، در نظام اسماء و صفات عرفانی نیز اعیان ظهورات و تعینات اسماء و صفات الهی اند که هرگاه در تعین علمی ثانی ظهور کنند، اعیان ثابته و هر گاه در خارج ظهور کنند، اعیان خارجه نامیده می شوند. بنابراین صحیح است که گفته شود حق تعالی در ذات خود علم اجمالی در عین کشف تفصیلی به همه جزئیات و صور و اعیان دارد و همین علم علم قبل ایجاد می باشد.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵)، الإلهیات من کتاب الشفاء، تصحیح علامه حسن زاده، قم، مکتب الاعلام الاسلامي، مرکز النشر.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی تا)، الاشارات و التنبیهات، قم، نشر البلاغة.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله(۱۳۷۹)، النجات من الغرق فی بحر الضلالات، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران.
۵. ابن سینا، حسین بن عبد الله، التعلیقات (۱۴۰۴) قم، انتشارات مکتب الإعلام الإسلامي.

۶. ابن عربی، محیی الدین(۱۳۷۰)، فصوص الحکم، قم: الزهرا.

۷. ابن عربی، محی الدین،(بی تا) الفتوحات المکیة، بیروت، انتشارات دار صادر.

۸. اخلاقی، مرضیه، (۱۳۹۲). ارزیابی انتقادی ملاصدرا از نظریة صور مرتسمة ابن سینا.دوفصلنامه علمی حکمت صدرایی، دوره اول ، شماره دوم، صص 36-24 . Dio: 20.1001.1.23221992.1392.1.2.3.1

۹. امینی نژاد، علی(۱۳۹۲)، آموزش پودمانی مبانی عرفان اسلامی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۰. آملی، حیدر بن علی (۱۳۷۵)، تفسیر المحیط الأعظم، قم، نور علی نور.

۱۱. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۹)، شرح المقاصد، بیروت، عالم الکتب.

۱۲. جعفریان، جواد و کرد فیروزجائی، یارعلی (۱۳۹۴). «مقایسة علم پیشین الهی از دیدگاه ابن‌سینا و محقق قونوی» آیین حکمت6 ,(پاییز ۹۳ - مسلسل ۲۱), ۹۵-۱۲۰.

۱۳. جندی، موید‌الدین (۱۴۲۳)، شرح فصوص الحکم، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب.

۱۴. جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۶)، رحیق مختوم، قم: اسراء.

۱۵. جهانگیری، محسن (۱۳۶۱)، محی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران، دانشگاه تهران.

۱۶. سبزواری، مولی هادی (بی تا)، شرح دعاء الصباح، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، دانشگاه تهران.

۱۷. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم(۱۴۲۵)، نهایة الإقدام في علم الکلام، تصحیح احمد فرید، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیة

۱۸. شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶) ، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار.

۱۹. شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبیة في المناهج السلوکیة. مرکز نشر دانشگاهی.

۲۰. شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۱)، إیقاظ النائمین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۱. شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۳)، مفاتیح الغیب، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

۲۲. شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۷۵)، مجموعه رسائل فلسفی، تصحیح مقصود محمدی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

۲۳. شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۵)، شرح الاسماء الحسنی، قم، بیدار.

۲۴. شیرازی، محمدبن ابراهیم (بی تا)، الرسائل، قم ، انتشارات مکتبة المصطفوي.

۲۵. شیرازی، محمدبن ابراهیم(۱۹۸۱)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة، دار إحیاء التراث العربي ، بیروت، چاپ سوم.

۲۶. ابراهیم رستمی،سید روح اله دهقان باغی. (۲۰۲۲). «علم پیشین مغایرِ متصل با ذات از دیدگاه صدرالمتالهین شیرازی». جاویدان خرد، شماره ۳۶، صص ۱۶۷-۱۸۲. **doi:** 10.22034/iw.2019.195184.1344

۲۷. طباطبایی، محمد حسین(۱۳۶۹)، نهایه الحکمة، موسسه النشر الإسلامی.

۲۸. عبودیت عبد الرسول (۱۳۹۳)، «علم پیشین الهی در عرفان اسلامی؛ از منظر صدرالمتالهین»، حکمت عرفانی، سال سوم، شماره اول، صص ۴۲- ۲۳.

۲۹. عبودیت، عبد الرسول (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظام حکمت صدرایی، تهران، سمت.

۳۰. غفاری قره باغ، احمد(۱۴۰۳)، علم الهی در سنت عرفانی و صدرایی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۳۱. فناری، حمزه (۱۳۸۴)، مصباح الانس، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مولی.

۳۲. قونوی، صدر الدین (۱۳۷۱)، رسالة النصوص، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران، نشر دانشگاهی.

۳۳. قونوی، صدر الدین(۱۳۷۴)، مفتاح الغیب، تصحیح: محمد خواجوی، تهران، مولی.
۳۴. قیصری، محمد بن داوود (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، به کوشش سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. کربلایی، سید احمد(۱۴۱۰)، توحید علمی و عینی در مکاتیب حکمی و عرفانی، تهران: حکمت.
۳۶. مقدم، غلامعلی (۱۴۰۲)، «علامه طباطبایی و نقد دیدگاه عرفانی در علم تفصیلی الهی»، فصلنامه آیین حکمت، سال پانزدهم، شماره۵۵. صص ۱۴۵-۱۲۲.doi: 10.22081/pwq.2023.76035
۳۷. مؤمنی، مصطفی (۲۰۱۶). «تحلیل جایگاه و کارکرد صور مرتسمه در تفکر سینوی». فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۵۹، ۱۰۹-۱۲۸.DOI: 10.22099/jrt.2016.3795
۳۸. نائیجی، محمد حسین (۱۳۸۸)، ترجمه و شرح مصباح الانس، قم، آیت اشراق.

نسخه پیش از انتشار (آنلاین و راسته)